

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۵

مؤلفه‌های تصویر در غزل دفاع مقدس

(ص ۱۷۵ - ۱۹۴)

آمنه رستمی، محسن ذوالفقاری (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۹۷

چکیده

آفرینش و خلق صورخیال که محصول تأثرات روحی و مکاشفه شاعر است، جوهر مشترک اغلب آثار ارزشمند ادبی برای تسخیر ذهن، تخیل و احساسات مخاطب است و شیوه‌های متنوع شاعران در آفرینش تصاویر نیز، همواره مورد توجه و تأمل منتقدان و صاحبان ذوق بوده است. قالب غزل در سالهای اخیر با موضوع دفاع مقدس فرصتی برای هنرنمایی شاعران این حوزه است که بررسی و درک زیباییهای آن از نظر اهل فن دور نمانده است؛ اما این پژوهش که به شیوه تحلیلی- توصیفی انجام شده است، از دریچه دیدگاه ساختارگرایان به بررسی تصویر در شعر دفاع مقدس میپردازد. پس از بررسی و تحلیل ساختاری تصویر در غزل شاعران برجسته این حوزه چون؛ حمید سبزواری، موسوی گرمارودی، سیدحسن حسینی، پروانه نجاتی و سعید بیابانکی، با تکیه بر اصالت و اهمیت واژه‌ها و ارتباط آنها در متن، به درک و دریافت وجوهی از زیبایی که حاصل دقت در ساخت است، دست یافتیم؛ همچنین از نتایج این پژوهش دریافت و استخراج دو ساخت کلی برای آفرینش و چینش تصویر و سازه‌های آن در بافت سخن است.

کلمات کلیدی: ساختار، تصویر، غزل، دفاع مقدس.

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک (rostami.amene@gmail.com)

۳ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک (m-zolfaghary@yahoo.com)

۱- مقدمه

در اشعاری با موضوع دفاع مقدس، اهمیت تصویر برای بازنمایی حقایق و القای عاطفی غیرقابل‌انکار است و بررسی آنها حاوی دستاوردهای جدید خواهد بود. در این راستا بررسی ساختاری این تصاویر شیوه مهمی در پژوهش‌های ادبی است که در بستر آثار بومی بررسی‌های نقد نو، نتایج خوبی در بر خواهد داشت و تجربه این بررسی‌های نوین را در آثار بومی رقم خواهد زد؛ بنابراین با بررسی تصویر در غزل دفاع مقدس به شیوه ساختاری بر اساس تعامل و مناسبات درونی این تصاویر به یافته‌هایی نو دست یابیم.

۲- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های زیادی در موضوع ادبیات پایداری و دفاع مقدس با رویکردهای محتوایی و زیبایی‌شناسانه انجام شده است. برخی از این پژوهش‌های محتوایی و ساختاری با غلبه بررسی تصویر و زیبایی عبارتند از: نگاهی کوتاه به فرم و ساختار شعر دفاع مقدس نوشته حمیدرضا شکارسری (شعر زمستان، دوره ۲۹) که به شیوه ساختاری انجام شده است، فقط به تقسیم‌بندی انواع شعر به ساختمند و غیر ساختمند اکتفا شده است و بررسی ساختارهای جزئی از جمله تصویر در آن مدنظر نبوده است. پژوهش دیگر در این حوزه "حماسه در بزم غزل (غزل-حماسه) در شعر دفاع مقدس"، نوشته محمود براتی، نشریه ادبیات پایداری، سال اول (۱۳۸۸) است که به طور اختصاصی به غزل در شعر دفاع مقدس می‌پردازد، فقط شعر یک شاعر، "فرید"، را از جهت محتوایی و شکل‌گیری محتوای حماسی در بستر قالب می‌پردازد و بررسی وجوه زیبایی در آن فروگذار شده است. مورد دیگر مقاله "نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نماد در شعر دفاع مقدس" نوشته محمدرضا یوسفی، مجله ادبیات پایداری، سال نهم (۱۳۹۲) است که در این مقاله نیز صرفاً به بررسی نمادها در شعر یک شاعر پرداخته است. مقاله "بینامتنیت تلمیح در شعر دفاع مقدس" نوشته سیدعلی قاسم‌زاده، مجله ادبیات پایداری، سال ششم (۱۳۹۴) پژوهش دیگری است که در شعر دفاع مقدس صرفاً به بررسی نمادها می‌پردازد و سایر زیباییها و مناسبات درونی آنها در آن فروگذار شده است. "بررسی نمادهای اسطوره‌ای ملی" نوشته محمد قربانی مجله پژوهش زبان فارسی، شماره سی‌ام ۱۳۹۲ نیز پژوهشی اختصاصی در این حوزه است که صرفاً به نماد می‌پردازد. تصویر زنان در رمانهای دفاع مقدس دهه هشتاد نوشته حمید رضایی، فصلنامه تخصصی ادبیات داستانی (۱۳۹۴) که در واقع پژوهشی برای بررسی نقش زنان در داستان در برهه‌ای خاص است که تصویر زن را در چگونگی حضور او در داستان بررسی

میکند. علاوه بر موارد یادشده، پژوهشهای محتوایی فراوانی نیز در این حوزه انجام شده- است؛ اما تاکنون به طور اختصاصی و با رویکرد ساختاری به تصویر در غزل دفاع مقدس پرداخته نشده است.

۳- سوالات تحقیق

هدف از انجام تحقیق پاسخ به سؤالات زیر است:

- غزل دفاع مقدس تصویری است یا به شیوه بازنمایی حقایق به زبان عادی سخن میگویند؟
- در کدام نوع از تصویر عاطفه غلبه و کارکرد بیشتری دارد؟
- هماهنگی تصاویر با عاطفه و موضوع چگونه است؟
- نقش گزینش واژه‌ها و عناصر تصویر در ایجاد زیبایی و عاطفه چگونه است؟
- شیوه و شکل انداموار تصاویر و ارتباط بین سازه‌های تصویری در یک غزل چگونه است؟
- ارتباط درون ساختاری واژه‌ها در هر غزل به صورت نموداری چگونه است؟

۴- شیوه پژوهش

شیوه کار در این پژوهش چنین است که با مطالعه موردی (case study) به صورت کتابخانه‌ای به گردآوری مطالب پرداخته شده است، پس از استخراج غزلها و نمونه‌های آماری به شیوه تحلیلی- توصیفی به بررسی اشعار مطابق با محورهای تحقیق میپردازد. در انتخاب نمونه‌های آماری، غزلهایی با موضوع دفاع مقدس از مجموعه اشعار شاعران مورد نظر استخراج شدند؛ از این اشعار تعدادی که در ارتباط مستقیم با موضوع دفاع مقدس است، به طور تصادفی انتخاب شد و با بررسی شگردهای هنری در تصویرگری، بررسی ساختاری هنر سازه‌ها، تحلیل روابط بین سازه‌های تصویری و زبانی و بررسی تأثیر گزینش واژگان به دیدگاهی کلی درباره تحلیل ساختاری این تصاویر، در محدوده سؤالات پژوهش دست یافتیم؛ لازم به ذکر است که اشعار گرمارودی از کتاب مجموعه شعر خواب ارغوانی، اشعار نجاتی از مجموعه شکستنی تر از آنم، اشعار سبزواری از مجموعه تو عاشقانه سفر کن، اشعار سیدحسن حسینی از مجموعه شعر همصدا با حلق اسماعیل و اشعار بیابانکی نیز از مجموعه شعر نامه‌های کوفی گزینش شده‌اند.

۵- تحلیل

تصویرسازی و ایجاد صورخیال با ماده زبان و عناصر زبانی صورت میگیرد و واژه‌ها، خمیرمایه صورخیال هستند. آن چه در شیوه‌های تصویرسازی در این غزلها ادبیت می- آفریند، بیش از هر چیز تعامل درونی بین سازه‌های تصویر است که بر کلیت ادبی و کلان-

تصویر اثرگذار است. برخی از شگردهای شاعران در ایجاد صورخیال و زیبایی که در زیبایی و کلیت ادبی مؤثر است در محورهای زیر بررسی میشود.

۵-۱- ارتباط تصاویر و واژگان

آنچه دستمایه و سرمایه شاعر است، زبان و واژه‌هاست و برای او «آن چه مهم است، ابزار و اسباب شاعر؛ یعنی واژه‌هاست؛ زیرا او بوسیله آنها جهان خود را می‌آفریند.» (طلا در مس، ۱۸) در ساختار یک شعر، دو اصل انتخاب واژه‌ها و چینش و ترکیب آنها مهم است که گاه همزمان اتفاق می‌افتد و گاه گزینش واژه‌ها مقدم بر چینش و ترکیب آنهاست. «وظیفه شاعر کشف مداوم است. او معمولاً درصدد یافتن واژه‌هایی است که به خاطر قرابت پنهانی که با یکدیگر دارند، وقتی در کنار هم مینشینند، معانی شگفت می‌آفرینند.» (درباره شعر، ۳۵) شاعر چون هنرمندی بر ابزار کار خود، کلمات، دست‌ورزی میکند تا کارکرد دگرگونه‌ای به آنها بدهد. او «از میان معانی متعدد یک کلمه فقط یک معنی را برنمیگزیند؛ هر یک از این معانی به جای آن که هویت مستقل و وظیفه علیحده‌ای داشته باشد، در نظر او همچون کیفیت ذاتی کلمه جلوه میکند و دیگر معانی کلمه مخلوط و ممزوج میشود» (ادبیات چیست، ۲۱). گزینش واژه‌ها را عوامل متعددی تعیین میکند؛ عواملی چون: «شخصیت فردی شاعر به ویژه حالات روحی او، مخاطبان، سنتهای ادبی، گذشته تاریخی، محیط زندگی شاعر، اوضاع سیاسی اجتماعی زمان.» (در سایه آفتاب، ۳۲) این عوامل، عوامل برون‌واژگانی مؤثر بر گزینش واژه‌ها هستند؛ درحالیکه برخی عوامل درون‌واژگانی که مربوط به ویژگی خود واژه است نیز بر گزینش واژه‌ها مؤثرند؛ «عناصر ساختاری واژه، شگردهای بلاغی، لحن، موسیقی، اصول همنشینی، و همسازی واژه‌ها با یکدیگر، و تداعی‌هایی که هر واژه ممکن است سبب آنها شود» (اهمیت ویژگیهای ساختاری واژه در گزینش واژه‌های شعر، ۱۵۷). از عواملی که ذکر شد، به نظر میرسد که عوامل درون‌واژگانی در گزینشها مؤثرترند و در این پژوهش و تحلیلهای ساختاری ارزش و اهمیت بیشتری دارند؛ بعلاوه نباید تأثیر موضوع و عاطفه را بر گزینش واژه‌ها نادیده گرفت.

از عوامل مهم در گزینش واژه‌ها در شعر دفاع مقدس، به ویژه در عناصر تصویر، لحن و فضای عاطفی شعر است. با توجه به موضوع اشعار که مسائلی چون؛ رثای شهدای مشخصی چون ۷ تیر و حادثه تبریز، اطاعت از رهبری، ترغیب و تشویق مخاطبان و هموطنان برای رفتن به جبهه‌ها، شهدای مفقودالثر، تأثیر جنگ بر خانواده‌ها، خانواده جانبازان شیمیایی و

پیامدهای جنگ است، زبان و الفاظ در ارتباط با فضا و لحن عاطفی، تعامل ایجاد میکند. بنابراین عواطف، لحن و فضا، واژه‌ها و گزینش آنها در دسته‌های زیر قابل بررسی است.

۵-۱-۱- ایجاد لحن حماسی و حس غرور و شجاعت

در برخی اشعار برای ایجاد شوق و رغبت به جهاد، ایثار و شهادت، لحن سخن حماسی است و باعث گزینش واژه‌های حماسی در عناصر و ارکان تصویر میشود. در این اشعار که اغلب در غزل‌های حمید سبزواری مشاهده میشود، با توجه به لحن و عاطفه، گزینش واژه‌ها نیز از حماسی است. برای مثال در غزل سفر عشق، عناصر تصویر واژگانی حماسی هستند که عبارتند از: "میدان/ بلاجویان/ کاروان/ رزم/ جرس/ چاووش/ پیکار/ لوا/ سیاووش". ابیاتی از این غزل چنین است:

رزم را صبغۀ تردید به دامن مرساد	صلح با شبهۀ تزویر هم آغوش مباد
ای بپاخاسته در پهنه به پیکار ستم	جز لوای شرفت زیب بر و دوش مباد
شعله در باد دل از داغ شهیدان وطن	رفته از خاطر ما یاد سیاووش مباد

(تو عاشقانه سفرکن، سبزواری: ص ۱۲۹)

و در غزلی که در موضوع شهادت شهیدان رجایی و باهنر سروده شده است، عمده واژه‌ها حماسی‌اند و عبارتند از: "مرد/ عرصه/ همسنگر/ فتح/ ظفر/ قضا/ قدر/ ناوک/ نام آور/ خطر". برخی از ابیات این غزل:

هر دم ازین رهگذار، رهگذری میرسد	در پی مردان مرد، پی سپری میرود
عرصه نگرده تهی، گر چه ز همسنگران	گه جگری میدرند، گاه سری میرود
روزن فتح و ظفر، بسته نخواهدشدن	گر ز قضا ناوکی بر قدری میرود

(همان: ۹۹).

همچنین در غزل "لاله رخان" سید حسن حسینی نیز، لحن و فضای حماسی، گزینش واژه‌های حماسی را رقم میزند. واژه‌هایی مثل: "خنجر/ شمشیر/ بارش خون" و در غزل "ای همچو سربداران" برای شهدای گمنام سوسنگرد نیز واژه‌های غالب شعر را در تصاویر، واژه‌های حماسی تشکیل میدهد. از جمله: "حماسه/ خون/ برگریز/ سنگر/ تیغ/ ایثار/ زخم/ رزم/ آتش/ جهاد/ مسلسل". ابیاتی از اشعار او عبارتند از:

ای در قرار سرخت، مفهوم بیقراری	در بستر حماسه خونت همواره جاری
در برگ ریز سنگر همواره میشکوفد	فواره رگانت، چون لاله بهاری

از جزر و مد تیغت، ایثار بی دریغت بر تارک پلیدان، روییده زخم کاری
(همصدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۲۹)

۵-۱-۲- القای عاطفه‌اندوه و حزن

در دسته‌ای دیگر که اغلب در غزلهای پروانه نجاتی مشاهده میشود، به دلیل عاطفه‌اندوه و حزن، وجه‌غالب واژه‌ها با واژه‌هایی است که القاگر این احساس هستند. برای مثال در غزل "به جانبازان شیمیایی" از نجاتی، برخی واژه‌ها این وظیفه را به عهده دارند که احساس و عاطفه‌اندوه را القا کنند و عبارتند از: "سرفه/ نگاه زرد/ آه/ خوشه‌های درد/ آب می‌شود/ چشم‌گریه‌ناک" که برخی از ابیات آن عبارتند از:

سرفه‌کرد و از کنار من گذشت، چفیه‌پوش‌آشنای این‌محل

او هنوز سربه‌زیر و ساده است، شیرمرد با خدای این محل

میتوانی از نگاه زرد او، خوشه‌های درد را درو کنی

با عبور او چه تازه میشود، رنگ و بوی جای‌جای این محل

میشناسمش من آنچنان که تو، کوچک و بزرگ این محله نیز

تکیه‌گاه اعتماد کوچه است، پنجه‌گره‌گشای این محل

سرفه میکند و طعم جبهه را، در هوای کوچه میپراکند

بوی دودهای شیمیایی آه، خاطرات مردهای این محل

(شکستنی‌تر از آنم، نجاتی: ص ۱۵۸)

و در غزل "سهم من" از همین شاعر نیز واژه‌هایی در ساختار تصاویر به‌کاررفته‌است که

حس‌اندوه را القا میکنند و عبارتند از: " غصه/ انتظار/ رفتن/ باور تلخ/ دردناک" (

همان: ۱۵۳) و در غزلی از سعید بیابانکی این واژه‌ها که اجزای تصویرند، فضا و احساس را

تحت تأثیر قرار داده‌اند که عبارتند از: " بغض/ اشک/ دوسه تکه استخوان/ شقایق/ بی‌نام و

نشان/ غم/ (باغ‌دوردست، ۸۰). در غزل خاطره نیمه‌جان نیز واژه‌های مقابل در بافت تصاویر

احساس و عاطفه را تحت تأثیر قرار داده‌اند که عبارتند از: "بی‌آشیان/ خاک مرده/ خاطره

نیمه‌جان/ خاکستر/ آتشفشان/ لبان سوخته" (همان: ۵۸) و در غزلی از موسوی گرم‌رودی

نیز چنین است: " هق‌هق/ سوگوار/ شهید/ بی‌کفن/ کلاغ/ دغدغه" (خواب ارغوانی، ۲۰)

لازم به ذکر است که در برخی از غزلها واژه‌هایی به کار رفته‌اند که همزمان احساس

شوق و حزن را توأم القا میکنند. این واژه‌ها با قرارگرفتن در بافت تصاویر از سویی‌اندوه

شهادت و از سویی نیز شوق شهادت و مبارزه با دشمنان را القا میکنند. در غزلی چون

"دشت شهیدان" سروده موسوی گرمارودی واژه‌های "شهید/ لاله/ حسرت/ ناله/ خماری" و واژه‌های "گل/ بهاران/ باغ/ خورشید/ وصال/ هوشیاران/ میر دهر/ بلندای نظر/ قلعه‌ساران" شوق و شور و امید به پیروزی را القا میکنند. (همان: ۱۸) و در غزل "قرقاول" از همین شاعر، فضای شعر را واژگانی ایجاد میکنند که برخی احساس اندوه را ایجاد میکنند و برخی نیز شوق را القا میکنند؛ برای مثال واژه‌های "رفت/ شب/ دلگیر/ خون/ جانگزا/ داغ" فضایی غمگین و حزن‌انگیز را رقم میزنند و واژه‌های "گلخروش/ رهایی/ حق/ رحمت/ پاک/ باغسار/ عرش/ نور/ رضوان" در کنار واژه‌های حزن‌انگیز، شوق و امید میآفرینند. برخی از ابیات این غزل چنین است:

چون مرغ شب در این شب دلگیر جانگزای	حق حق سرود تا ز لبش خون چکید و رفت
تا در میان لجه رحمت کند شنا	پیراهن حیات ز تن برکشید و رفت
گلگونه خون پاک شقایق به جوش باد	کان لاله را نیامده داغی رسید و رفت
طاووس باغسار خدا بود و سوی عرش	تا دید روزنی، ز جهان پرکشید و رفت

(همان: ۱۵)

۵-۱-۳- ایجاد فضای عارفانه

جنگ تحمیلی ما دفاعی مقدس بود برای حفظ ارزشهای انسانی و دینی و به تبع آن فضایی معنوی و پاک در دلها و قلوب مردم حاکم شد که در فضای اشعار این حوزه، نوعی عرفان را رقم میزنند و این نتیجه تعامل بین واژه‌ها و لحن است. برای مثال در غزل "سفر عشق" سروده حمید سبزواری واژه‌های "حُسن/ عشق/ میخانه/ قده/ سرمستی/ میکده/ جوش" (تو عاشقانه سفرکن، ۱۲۹) و در غزل فرمان پیر از همین شاعر، واژه‌های "مطرب/ هشیار/ پیر/ حسن/ عشق/ ساقی/ می/ پیر/ اغیار" فضا و احساسی عارفانه را در شعر ایجاد و القا میکنند. برخی از ابیات این غزل عبارت است از:

زخمه به جان میزنند مطربکان تار را	سوی جنون میکشند مردم هشیار را
یوسف جان میبرند بر سر بازار حسن	بو که کنند امتحان ذوق خریدار را
زاویه عشق را رنگ تعلق مباد	جلوه معشوقه بس، این در و دیوار را
زین همه دعوی‌گران مرد ره عشق کیست	تا که پیوید به سر، این ره دشوار را

(همان: ۹۵)

واژه، عاطفه، لحن و فضای روحی در شعر در تعامل هستند. واژه‌ها از محور جانشینی به متن و شعر راه مییابند و لحن، عاطفه و فضای شعر را تحت تأثیر قرار میدهند. در غزل دفاع

مقدس نیز شاهد اهمّیت‌گزینش واژه‌هایی در این زمینه می‌باشیم که واژه‌ها متناسب با دنیای عاطفی شاعر و موضوع شعر از خیل عظیم واژه‌ها به شعر راه یافته‌اند. گزینش واژه‌هایی که اغلب از عناصر تصویر نیز هستند، نقش مهمّی را در زیبایی تصویر ایجاد شده ایفا میکند و از سویی عاطفه شعر عاملی درونی برای شاعر است که به گزینش واژه‌هایی دست‌بزند که او را در القای عاطفه و احساس درونی خود یاری دهد؛ لازم به ذکر است که عاطفه و لحن فقط یکی از عوامل مؤثر در گزینش واژه است؛ اما میتواند مهم‌ترین عامل نیز باشد.

۵-۲- تصویر کانونی و کانون زیبایی

در باب وجود تصویر کانونی که بیانگر نگرش شاعر است و فکر و ایده مسلط بر اثر را بیان میکند، اکثر صاحب‌نظران هم‌عقیده و متفقند؛ در هر شعری ایده کلی را میتوان در یک تصویر خاص مجسم نمود. «شاعری که نگاه خلاق دارد، درونمایه مسلط و منسجمی بر آثارش سایه می‌فکند، نوعی وحدت نگاه در کلیه تصویرها و ساختارهایش دیده میشود که میتوان آنها را خوشه‌هایی از یک تصویر بزرگ به حساب آورد. نگرش واحد در یک تصویر کانونی متمرکز است و تمام ساخت و تصویرهای فرعی بر گرد آن می‌چرخند.» (بلاغت تصویر، ۷۷) نبود تصویر کانونی در یک اثر، تشتت و پراکندگی تصویر را در پی دارد و در هر اثر با انسجام تصاویر نیز یافتن تصویر کانونی به منزله یافتن دریچه‌ای برای ورود به دنیای ذهن و نگرش شاعر است. در همه اشعاری که مورد بررسی قرار گرفت، با نگاهی به کلیت اثر و بافت شعری منسجم آنها، چنین دریافت میشود که در هر واحد شعر (غزل) میتوان به وجود یک تصویر کانونی (کلان‌تصویر) و چندین خرده‌تصویر برای پروراندن تصویر کانونی دست‌یافت. صرف‌نظر از وحدت موضوع کلی، در همه اشعار، موضوعات جزئی و عواطف متعدد و متفاوت، خرده‌تصاویری را در هر شعری ایجاد نموده‌اند که در کنار یکدیگر به بسط و گسترش تصویر کلی کمک میکنند. آن چه کانون زیبایی در هر شعری است، با صرف‌نظر از موضوع شعر، ترسیم و تجسمی واحد است که مخاطب پس از خواندن شعر بتواند آن را در قالب یک جمله بیان کند. همانطور که برای انسجام یک متن و اثر ادبی، داشتن شاخصه‌هایی لازم است، تصاویر یک شعر نیز باید منسجم، یکپارچه و هماهنگ باشند و برای تصویر در یک شعر نیز وجود تصویر کانونی برای ایجاد ارتباط بین خرده‌تصاویر، ضروری است. در همه این اشعار به راحتی میتوان پس از خواندن یا شنیدن شعر، تصویری کلی و واحد دریافت که حاصل وجود خرده‌تصاویر و تصاویر جانبی است. برای مثال از هر شاعر اگر یک غزل را مطرح کنیم، خرده‌تصاویر و تصاویر کلی چنین است: در غزل

"بسیجی کوچک" (شستنی تر از آنم، ۱۳۹)، مرکز زیبایی، بازیها و شوق کودک برای ادامه راه پدر است و خرده تصاویری که آن را میپرورانند، عبارتند از: "چفیه/ پلاک/ تسبیحی/ پشت پشتی پناه میگیرد/ اسم شب/ باز پوشیده چکمه های پدر/ آب و آینه و قرآن و عود/ مرد آماده سفر باشد". با ترسیم و تجسم این تصاویر جزئی، تصویر شور و شوق و بازی یک کودک در نقش پدر مجسم میشود. در غزل "در دل موج غبار" (تو عاشقانه سفر کن، ۹۲)، با ترسیم خرده تصاویری چون؛ "شهسواری در دل موج غباری آمدن/ در نهاد روزگاران نوبهاران آمدن/ خواجه نداند که هوشیاری نیز هست/ این آشفته دریا را کناری نیز هست/ در گلشن هزاری نیز هست"، یک تصویر بزرگتر و کانونی شکل میگیرد و آن فرارسیدن منجی و رهبر است. در غزل "بغض ناگهان" (باغ دوردست، ۸۰)، تصویری که در پایان شعر در ذهن مخاطب نقش میبندد، شهادت رزمنده است که تصاویر جزئی که چون خطوطی آن را ترسیم میکنند، عبارتند از: "بغض کردن و اشک ریختن/ دوسه تکه استخوان/ تشییع پیکر بر روی دستها/ شقایق بی نام و نشان/ خزان در گوشه گوشه شهر". در غزل "کربلا میخواندم" (همصدا با حلق اسماعیل، ۳۳) نیز، تصویر کانونی شعر، شوق و اشتیاق رزمنده برای رفتن به جبهه ها است و تصاویر جانبی عبارتند از: "کربلا میخواندم/ یار با بانگ رسا میخواندم/ در طریق عشق کوتاهی نکردن/ بانگ هل من ناصر/ عشق روح خدا/ حلقوم خون/ نای نینوا/ ذوالجناح رزم/ کانون درد/ قانون شفا/ سرود سرخ ایثار/ گور خاموش شهدا/ قصه خونین عشق/ برگ برگ لاله ها" و در غزل "بهار نیست" (خواب ارغوانی، ۲۲)، کانون زیبایی در ترسیم غم شهادت رزمندگان وطن است و این تصویر در گرو تصاویر کوچکتری است که عبارتند از: "بهار نیست/ خط شادمانی نیست/ بی تو چمن جای زندگی نیست/ کفن سرخ و سینه سوزان/ شقایق به چمن رسته/ هودج خون"

انگیزه آفرینش هر شعری، فکر و ایده ای است در ذهن سراینده که فتوحی از آن با نگرش یاد میکند و میگوید: «نگرش، ساخت پنهان ذهن و شخصیت انسان است. در کار هر هنرمند بزرگ، یک درونمایه مسلط وجود دارد که بر سراسر آثارش حضور دارد» (عاطفه، نگرش، تصویر، ۱۰۵). وی حتی تصویر را فرزند نگرش میدانند. در اشعار تصویری، نگرش و درونمایه در قالب یک تصویر مینشینند. تصویر کانونی ایجاد شده همان نگرش هر شاعر است. همانطور که در تحلیل اشعار مشاهده میشود، نگرش و درونمایه نو در این اشعار، تصاویر نو را نیز جانشین تصاویر کلیشه ای نموده است. در این اشعار در هر غزل تصاویر متعدد است و هیچ شعری را بدون کانون زیبایی نمیابیم؛ هر دو ساخت تصویری (کانونی و

خرده‌تصاویر)، در کنار یکدیگر کلیت زیبایی را ایجاد میکنند که تعامل بین این دو ساخت تصاویر، به عنوان انداموارگی تصاویر نیز از شیوه‌ها و شگردهایی است که قابل تأمل و بررسی است که با عنوان انداموارگی تصویر به آن می‌پردازیم. به طور کلی میتوان گفت که فکر و نگرش هر شاعر را در قالب یک تصویر کلی در هر شعر میتوان یافت که در کنار یا در متن خرده تصاویر خودنمایی میکند و هیچ شعری را بدون تعامل و ارتباط این دو سوی تصویر نمیتوان یافت و ایده و نگرش تازه شاعر در هر اثر، او را از استفاده از تصاویر ثانویه بی‌نیاز نموده‌است.

۵-۳- هماهنگی تصویر، موضوع و عاطفه

در وجود دو بعدی انسان عواطف متعددی چون خشم، نفرت، اندوه، آرزو، عشق و ... قرار دارد. او همواره میکوشد این عواطف را ابراز و گاه نیز پنهان کند. عواطف در زبان و دنیای عادی به اشکال مختلفی متجلی میشوند؛ اما در هنر، عاطفه برجسته‌تر و زیباتر میشود و بستر مناسب‌تری مییابد. بستری چون طنین یک موسیقی، خشم یک مجسمه و یا لذت یک تصویر ادبی. «شاهکارهای ادبی جهان سرشار از این عواطفند، این عواطف هم فردی و هم شخصی است و هم انسانی و عام» (همان: ۶۸). در آثار ادبی، موضوع، عاطفه و تصویر، رابطه بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند و موضوع و عاطفه در واژه‌ها و تصاویر تجلی مییابند. در این اشعار که موضوع کلی ایثار است، عواطف متفاوتی در قالب تصاویر متعدد، شکل‌میگیرد که هماهنگی بین این ۳ عنصر، مؤلفه انسجامی مهم و نامحسوسی است که در زیبایی در شعر مؤثر است و با مرکزیت موضوع، عاطفه و تصویر، رابطه سه‌سویه‌ای را با آن برقرار میکنند.

فتوحی بین تصویر و موضوع، ارتباط قائل است که تصویر در خدمت اندیشه است و میگوید: «صناعات ادبی در حکم ابزارهایی هستند برای آراستن معنا. از این‌رو دو وظیفه را به‌دوش میکشد: ۱- توضیح معنا ۲- تزیین و آرایش معنا» (همان: ۸۹). در این اشعار که موضوع کلی، شهادت و ایثار است، زبان بیان اندیشه، تصویر است که در دو شیوه تصاویر مجازی و تصاویر وصفی عاطفی ایجاد شده‌است؛ علاوه بر تناسب بین تصاویر و موضوع، بین تصاویر متعدد در هر شعر نیز تناسب برقرار است؛ به همین منظور از هر شاعر به بررسی یک غزل می‌پردازیم. ۱- غزل "دل‌م زیر بوته گون" است، سروده موسوی گرمارودی در رثای شهید است و عاطفه نیز اندوه و حزن است. تصاویر شعر، موضوع را می‌پوروند و با آن متناسبند؛ این تصاویر عبارتند از: "صدای هق‌هق کبک دری است/ قهقهه نیست/ سوگوار

شقایق/ دشت بی کفن/ دغدغه او وطن است/ غروب کلاغ به خانه میرسد/ دل به صحرا سپار" (خواب ارغوانی، ۱۹). در ظاهر بین خرده تصاویر پراکندگی وجود دارد؛ اما کلان تصویری که از آن ساخته میشود، صدای گریه و سوگ و ماتم برای وطن است و با موضوع که مرثیه است، هماهنگ است. ۲- در غزل "دیوار ریخت بین ... " سروده نجاتی، موضوع شعر از مسائل عمومی در دوران جنگ، بمباران شهرها و شهادت زنان و کودکان و آوارگی مردم است. در این تصاویر همه اعضای خانواده ترسیم شده اند؛ "برادرم/ خواهرم/ مادرم/ همسر" و هریک با تصویری بسیار جانگزا توصیف میشوند. هرچند که اغلب تصاویر به کارگرفته شده از نوع توصیف و تصویر محض هستند؛ اما در راستای کارکرد شعر بسیار خوب ایفای نقش میکنند. این تصاویر عبارتند از: "ریختن آوار بین دو ابروی خواهرم/ ماندن مادرم زیر دیوار/ وحشت دیوار/ طوفان خاک/ دست سرد قساوت/ نشستن کرکس شوم بر بام خانه/ سوختن حجله برادر در آتش/ حجله عیش" (شکستی تر از آنم، ۱۴۸) همه تصاویر با ترسیم و تجسم دردناکترین صحنه ها در جنگ، تصویری وصفی از موضوع شعر هستند که به جای تصاویر مجازی خودنمایی میکنند. ۳- در غزل "بارقه باور" سروده سیدحسن حسینی نیز کارکرد ترغیب و تشویق رزمندگان برای جهاد و دفاع با صورخیال مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این شیوه ها، تصویرآفرینی است. موضوع شعر، ایثار و دفاع است که با تصاویر زیر مجسم شده است: "بارقه باور/ صبح ظفر/ یاری دست خدا/ مورد رشک پرندگان بودن/ شفق از بال و پر شما وام گرفتست/ دلتان چشمه/ شرفتان رود/ تیرتان دست نوازش به سر خصم کشد و ... " در عناصر تصویری این غزل تناسب و هماهنگی در جنبه های مختلف محسوس است. همه تصاویر مجازی هستند و تصویر مبتنی بر توصیف وجود ندارد، بین عناصر تصویر نیز میتوان دسته بندی ایجاد نمود و در دسته هایی مثل نام پرندگان، عناصر طبیعی و واژه هایی حماسی دسته بندی نمود. تصاویر مجازی که تخیل در آنها قویتر است، با کارکرد ترغیبی بیشتری در این شعر مورد توجه قرار گرفته است. ۴- در غزل "قمری بی آشیان" سروده سعید بیابانکی نیز تصاویر در تعامل با موضوع شعر هماهنگی و یکپارچگی تام دارند. موضوع شعر یافتن پیکرهای شهدای مفقودالأثر است که از مسائل و پیامدهای جنگ تحمیلی است. غم و اندوه ناشی از این موضوع، با تصاویر بیان میشود. هماهنگی بین تصاویر و موضوع کاملاً مشهود است. این تصاویر عبارتند از: "میان خاک سربرآوردن/ قمری بی نشان برآوردن/ کندن خاک مرده/ درآوردن پوتین و چفیه و مهر و انگشتر از خاک/ لبان سوخته را از زیر خاک درآوردن/

استخوان در آوردن/ و... " (باغ دور دست، ۵۸) تصاویر این غزل تلفیقی از توصیف و تصاویر مجازی است. تصاویر توصیفی در القای عاطفی مؤثرترند و تصاویر مجازی نیز در زیبایی مؤثرند و تخیل بیشتری ایجاد میکنند. ۵- در غزل "در دل موج غبار" سروده حمید سبزواری، به موضوع فرعی امید به پیروزی و رهایی و پایان یافتن جنگ همراه با پیروزی پرداخته شده است تصاویر آن عبارتند از: "شرابی هست/ دل امیدواری هست/ در شام سیه شب‌زنده‌داری هست/ شهسواری هست/ کناری هست/ نوبهاری هست/ صخره‌های استواری هست/ هشیاری هست/ مرد کاری هست/ هزاری هست" (تو عاشقانه سفرکن، ۹۲) در این تصاویر اغلب نمادهایی به کاررفته‌اند، عام و شناخته شده هستند که صفت نهفته در پس آن برای همه شناخته شده است و برای این کارکرد ترغیب و تشویقی شعر، مؤثرترند.

هماهنگی تصاویر با عاطفه نیز از ویژگیهای مؤثر در زیبایی است. «در شعر جدید کشف زنجیره عواطف در ورای تصویرها ما را به کشف کلان تصویر رهنمون میشود. کلان تصویر و شبکه تصویرها و خوشه‌های خیال شاعر از طریق یافتن روابط میان تصاویر جزئی و عواطف رخ مینماید» (بلاغت تصویر، ۸۰) تصاویر در این اشعار نیز در راستای اهداف شعر هستند. برخی از تصاویر القای اندوه، برخی نیز در جهت برانگیختن شوق و برخی نیز عاطفه توأم اندوه و شوق را دارند. اشعاری که در هماهنگی تصویر و موضوع بررسی شد به همان ترتیب از جهت تناسب عاطفی نیز اینگونه‌اند. ۱- گرمارودی (دلم زیر بوته گون است)، علاوه بر هماهنگی بین موضوع و تصویر، تصاویر و عناصر آن نیز در خدمت عاطفه هستند. واژه‌هایی چون "سوگوار، بی‌کفن، دغدغه و کلاغ" اندوه و حزن را القا میکنند. عاطفه اندوه که از واژه‌های تصویری و عناصر تصویر چون "بی‌کفن و سوگوار" القا میشود، کلان تصویر و تصویر کانونی را که مرگ و شهادت است، آشکار میکند. ۲- غزل "دیوار ریخت بین" سروده پروانه نجاتی، مملو از حس اندوه و حزن است که با تصاویر وصفی القا میشوند؛ تصاویری چون: "فروریختن آوار، ریختن دیوار، زیر آوار ماندن و توصیف صحنه شهادت اعضای خانواده"، سایه حزن را بر سراسر شعر میافکنند و اندوه فقط از طریق شیوه تصویری شعر حاصل میشود و کلان تصویر شعر نیز که "بی‌خانمانی" در جنگ است، در خرده‌تصاویری که همگی عاطفی هستند، ترسیم میشود. ۳- در غزل "بارقه باور" سروده سیدحسن حسینی، عاطفه شوق و امید در پرتو عناصر تصویری ایجاد میشود و تصویر کانونی که ترسیم صحنه پیروزی است با خرده‌تصاویر و القای عاطفی آنها شکل میگیرد. واژه‌هایی چون "بارقه، ظفر، صبح، چشمه و..." عناصر تصویر هستند که معنا و مفهوم این

عناصر، حس امید و شوق را در مخاطب برمیانگیزد و شعر از این طریق به کارکرد خود که ترغیب و تشویق است، میرسد. ۴- در غزل "قمری بی‌آشیان" سروده سعید بیابانکی نیز موضوع شعر یافتن پیکرهای شهدای مفقودالامر است که از پیامدهای جنگ تحمیلی است؛ غم و اندوه ناشی از این موضوع با تصاویر القا میشود و تصویر کانونی تحت تأثیر خرده تصاویر و عاطفه آنهاست. هماهنگی بین تصاویر و عواطف کاملاً مشهود است. این تصاویر عبارتند از: " میان خاک سربرآوردن / قمری بی نشان برآوردن / کندن خاک مرده / درآوردن پوتین و چفیه و مهر و انگشتر از خاک / لبان سوخته را از زیر خاک درآوردن / استخوان در آوردن / و...". خرده تصاویر "... درآوردن"، در همه ابیات، القاگر حس حزن هستند و در کلیت شعر، تصویر تجسس برای یافتن اجساد شهدا را ترسیم میکنند. در غزل "در دل موج غبار" سروده حمیدسبزواری نیز، موضوع فرعی امید به پیروزی و رهایی و پایان یافتن جنگ با پیروزی مطرح شده است و هماهنگ با آن عاطفه شوق و امید نیز القا میشود. این احساس و عاطفه را تصاویر القا میکنند که عبارتند از: " شرابی هست / دل امیدواری هست / در شام سیه شب‌زنده‌داری هست / شهسواری هست / کناری هست / نوبهاری هست / صخره‌های استواری هست / هشیاری هست / مردکاری هست / هزاری هست " خرده تصاویر " شهسوار، شب‌زنده دار، هشیار و ..."، همگی عاطفه شوق و امید را القا میکنند و تعامل خرده تصویر و عاطفه است که تصویر کانونی را که آمدن منجی و درنهایت پیروزی است، شکل میگیرد. عامل مهم دیگر برای ایجاد حس شوق و امید، واژه "هست" است که رابطه مثبت همه تصاویر است. با دقت در بافت این اشعار و سایر غزل‌های دفاع مقدس در آثار این شاعران درمییابیم که رابطه و هماهنگی مستقیم بین موضوع اشعار، عاطفه و گزینش تصاویر وجود دارد که این ویژگی یکی از وجوه زیبایی پنهان اشعار است و ممکن است در نگاه اولیه و با بررسی به شیوه بلاغت سنتی برای مخاطب کشف نشود؛ با دقت در مناسبات درونی عناصر تصویرساز، هماهنگی همه‌جانبه موضوع، عاطفه و تصویر مشاهده میشود. هرگاه که کارکرد تصویر القای عاطفی است، تصویر محض و هرگاه کارکرد شعر، ترغیبی است، تصاویر مجازی به ویژه نمادها بیشتر به کار رفته‌اند.

۵-۴- انداموارگی اجزای تصویر

کلان تصویر هر شعر حاصل تعامل بین تصویر کانونی و خرده تصاویر و عاطفه است که نظامی منطقی و ویژه بر آن حاکم است تا کلان تصویر نقش‌ببندد. با دقت در آثار بررسی-

شده، به دو شیوه انداموارگی تصاویر و روابط خرده‌تصاویر در ساخت کلان‌تصویر شعر دست‌یافتیم که عبارتند از:

(۱) شکل خوشه‌ای تصاویر کوچک و ارتباط مجزای هر تصویر با تصویر کانونی شیوه‌ای از نظم عمومی بین خرده‌تصاویر و تصویر کانونی است. در این ساخت، معمولاً تصویر کانونی در ابتدای شعر ترسیم میشود و خرده‌تصاویر با کمترین ارتباط با یکدیگر، هر یک در خدمت و در ارتباط با تصویر کانونی هستند. ما در این پژوهش، این ساخت و ارتباط را به شیوه خوشه‌ای تعبیر میکنیم. برای مثال در غزل بسیجی کوچک (شکستنی تر از آنم، ۱۳۹)، تصویر کانونی و خرده‌تصویرها و ساختار پراکندگی همه خرده‌تصاویر از یک تصویر اصلی نشأت‌گرفته‌اند و همگی در خدمت بسط و توصیف تصویر کانونی، "پسرم این بسیجی کوچک"، میباشند. خرده‌تصویرها عبارتند از: "بزرگتر باشد/ پشت پشتی پناه میگیرد/ چفیه‌ای و پلاک و تسبیحی/ چون پدر باشد/ آتشتان شوروشر باشد/ اسم شب/ کاروان خورشید/ تفنگ را زیر بالش میگذارد/ و ...". تصویر کانونی در این غزل چون ریشه سایر تصاویر است که همگی علاوه بر این که از تصویر اصلی جوانه‌زده‌اند در خدمت شرح آن نیز هستند و در پی یکدیگر قرارمیگیرند. با وجود ارتباط بین خرده‌تصاویر که به تصویر کانونی متصلند، هر تصویر مستقل است و میتوان آن را از زنجیره تصاویر حذف نمود؛ اما این امر باعث آشفتگی تصاویر نشده است. این نظم و شیوه در دسته‌ای از غزلها به ویژه در اشعار نجاتی مشهود است:

پسرم این بسیجی کوچک دوست‌دارد بزرگ‌تر باشد

چفیه‌ای و پلاک و تسبیحی، دوست‌دارد که چون پدر باشد

جنگ را او ندیده است، آری! ولی آن‌را چه خوب می‌فهمد

دوست‌دارد کمین‌کند جایی، آتشتان شور و شر باشد

پشت پشتی پناه می‌گیرد، گاه هم ایست می‌دهد ما را

اسم شب کاروان خورشید است، بگذرد هر که باخبر باشد

شب که خوابید زیر بالش خود می‌گذارد تفنگ بازی را

یعنی این مرد کوچک خانه، دائم آماده خطر باشد

باز پوشیده چکمه‌های پدر، می‌تکاند غبارخاطره را

آب و قرآن و عود و آیینه، مرد آماده سفر باشد

(شکستنی تر از آنم، نجاتی: ۱۳۹)

۲) جورچین تصاویر نیز شیوه‌ای از نظم عمومی بین تصاویر و انداموارگی آنهاست که تصویر کانونی را نمیتوان به طور مجزا مشخص نمود و جای مشخصی ندارد؛ بلکه کلیت تصاویر، کانون تصویر است که با ترکیب و انسجام بین خرده تصاویر نقش میندند. برای مثال در غزل "سفر عشق" (تو عاشقانه سفر کن، ۱۲۹)، در تابلو تصویری شعر، تصویر کانونی، تصویری حماسی از رزمندگان برای رفتن به جبهه‌ها است؛ اما در هیچ‌جای غزل چنین تصویری مجزا دیده نمیشود؛ بلکه شیوه هنری چنان است که خرده تصاویر تکه‌ها و قطعات تشکیل‌دهنده تصویر کانونی و بزرگ هستند که عبارتند از: "سفر عشق/ کنج میخانه/ میدان بلاجویان/ رندان قدح‌نوش/ سرود جرس/ نغمه چاووش/ پیکار ستم/ لوای شرف بر دوش/ یاد سیاووش/ و...". رابطه تصویر کانونی نسبت به خرده تصاویر، رابطه‌ای کل به جزء است که تصویر کانونی، تصویر کلی و خرده تصاویرها جزئی از آن هستند. در این تابلو هیچ تصویر مخل و بی‌ارتباطی دیده نمیشود و هر تصویر کوچک چون قطعه‌ای مؤثر از یک تصویر بزرگتر است. این شیوه ساخت، وجه غالب ساخت تصویری و رابطه انداموارگی تصاویر در اغلب اشعار را تشکیل میدهد. نمونه این ساخت تصویری در غزل "سفر عشق" سبزواری است:

رهروان را سفر عشق فراموش مباد
عندلیب چمن از زمزمه خاموش مباد
خالی از زمره رندان قدح نوش مباد
بی سرود جرس و نغمه چاووش مباد
عاری از جلوه‌ی یاران صفا کوش مباد
صلح با شبهه تزویر هم آغوش مباد
جز لوای شرفت زیب بر و دوش مباد
رفته از خاطر ما یاد سیاووش مباد
دفترت از سخن باطله مغشوش مباد
(همان: ۱۲۹)

عالم از ولوله‌ی حسن تو خاموش مباد
تا پر از همه‌ی زاغ نگرردد گلزار
کنج میخانه که میدان بلاجویان است
کاروانی که ره کوی وفا می سپرد
محفل دوست که روی دل ما جانب اوست
رزم را صبغه تردید به دامن مرساد
ای بیخاسته در پهنه به پیکار ستم
شعله در باد دل از داغ شهیدان وطن
بیت بیت غزلت مظهر حق باد حمید

۵-۵- میزان ازدحام و پراکندگی تصویر

در تابلو تصاویر این غزلها که خرده تصاویرها آنها را پر کرده‌اند، پراکندگی یکنواختی حاکم است که در هر مصرع از شعر حداقل یک تصویر به عنوان سازه‌های هنری جای گرفته‌است و هیچ بیت یا مصرعی حرفی و مستقیم که عاری از تصویر باشد، وجود ندارد؛ همچنین در

هیچ بیت یا مصرعی تراکم تصاویر ذهن، را خسته نمیکند؛ اما هرگاه که گوناگونی تصاویر زیاد است، تنوع تصویرها تا حدودی ملال‌آور است. با بررسی غزل "بغض ناگهان" سروده سعید بیابانکی در هر مصرع یک الی دو تصویر وجود دارد که به ترتیب: "بغض ناگهان شعر است / یقین درگمان شعر است / اشک مرا درآورده است / دوسه‌تکه استخوان شعر است / از دست شهر دست‌به‌دست می‌رود / شقایق بی‌نام‌ونشان شعر است / غم نان شعر است / بوی نان شعر است / این‌که می‌چکد از چشم آسمان شعر است / و ... " (باغ دوردست، ۸۰) در این اشعار تراکم و ازدحام تصاویر وجود ندارد؛ بلکه پراکندگی یکدست آنها بر زیبایی تصاویر می‌افزاید.

۵-۶- هماهنگی شیوه‌های هنری

در بررسی تصاویر، به وجود هماهنگی نسبی در شگردهای هنری دست‌یافتیم. تصاویر موجود در این اشعار به دو شیوه ایجاد شده‌اند که عبارتند از: تصاویر محض و اولیه‌ای که فقط توصیف هنرمندانه‌ای از واقعیت‌هاست و مبتنی بر مجاز نیستند. دسته دوم تصاویری هستند که مبتنی بر اساندهای مجازی هستند و تشبیه، استعاره و سایر آرایه‌های ادبی را پدیدمی‌آورند. این موضوع را با بررسی دو غزل روشن میکنیم. غزل "سنگ‌سازان بی‌سنگر" (شکستنی‌تر از آنم، ۱۴۰) در موضوع شهدای جهاد است. در ابیات این غزل تصاویری از جنس تصویر محض و تصاویر تخیلی هر دو خودنمایی میکنند. از کل ۱۸ تصویر، ۷ مورد، تصاویر خیالی هستند که پایه و اساس آنها بر تشبیه استوار است و گاه فراتر رفته و استعاره‌ای می‌آفرینند. این تصاویر عبارتند از: "مردی چون سیاوش / نگاه زمین / مجال محال / مردی تفسیر نامعادله‌ها شد / خمپاره‌های خشم / خاکریز عشق / بارقه امید" در این تصاویر شفاف و بی‌ابهام، ارکان تصویر اغلب از دنیای محسوسات هستند و اگر رکنی ذهنی خود نمایی میکنند، از ذهنیاتی قابل فهم است. سایر ۱۱ تصویر این غزل عبارتند از: "مردی طرح صفحه یک سررسید شد / مردی روسفید شد / مردی مجال آفرید / مردی خاکریز زد / مردی ناپدید شد / نقاشی قشنگی از او در اتاق بود / نقاشی را نگاه کرد / مردی با چفیه و عینک / شبی سیاه / مردی از روی لودر به همه لبخند می‌زد / رد جاده سفید شد" در تمام این تصاویر محض صحنه‌هایی از دنیای واقعیت و محسوس با کمک واژه‌ها در ذهن مخاطب نقش می‌بندد. در هر دو گونه تصویر، انگیزش با عنصر عاطفه صورت می‌گیرد و خیالبافی‌های رنگارنگ ادبی مشاهده نمیشود. با وجود اینکه در این شعر تصاویر محض و مجازی هر دو وجود دارد، آشفتنگی در شیوه‌های هنری دیده نمیشود و وجه غالب تصاویر

مجازی، آنها را برجسته تر نموده است. همچنین در غزل آواز قناری از موسوی گرمارودی (خواب ارغوانی، ۳۱) نیز شیوه تصویرگری و وجه غالب آن بر تصاویر مجازی مبتنی است و آن چه این تابلو را می آراید، اسندهای مجازی است که عبارتند از: " سرو و صنوبر داشتیم/ بالای دلبر داشتیم/ عشق آشناک/ شوری آتشگون/ هجران در سینه ما خانه داشت/ دیده بردر داشتیم/ کشتی ما/ نوح را رهبر داشتیم/ لعل آتشگون/ سوختن را سمندروار باورد داشتیم/ آرزوهایمان میشکفت / ... " همانطور که دیده میشود، وجه غالب شگرد هنری را تصاویر مجازی ایجاد نموده است که باعث ایجاد وحدت و یکپارچگی در شعر شده است. این شیوه ویژگی یکپارچگی، شیوه هنری را در سایر غزلهای این حوزه نیز میتوان یافت.

۶- نتیجه گیری

۱) اولین و مهمترین نتیجه پژوهش تجربه بررسی مناسبات درونی و ساختاری یک اثر بومی بر اساس نظریه ساختاری است که علاوه بر زیباییهای بلاغت سنتی وجوه دیگری از علل زیبایی را آشکار میکند و تجربه ای برای بررسی و پژوهشهای دیگر به این شیوه است.

۲) دو گونه کلی از تصویر را در این اشعار میتوان یافت که یکی شیوه تصویر وصفی و محض است و دیگری تصاویر مجازی و مبتنی بر شباهت که میتوان یک حکم کلی را بر اساس بررسیهای آماری بیان کرد که وجه غالب تصویر در این اشعار بر تصاویر مجازی است.

۳) در راستای اهداف ادبیات پایداری، تصاویر مجازی بیشتر کارکرد ترغیبی و انگیزش حس شوق مبارزه را دارند و تصاویر محض و وصفی در راستای ترسیم چهره مظلوم تأثیرگذارترند. در هر شعر یک تصویر کانونی میتوان یافت که حاصل تعامل عناصر عاطفه، نگرش و خرده تصاویر هستند و میتوان روند ایجاد تصویر کانونی را این چنین ترسیم نمود: نگرش < خرده تصویر < عاطفه < تصویر کانونی.

۴) نگرش نو شاعران این حوزه باعث شده است که تصاویر نیز نو و از نوع تصاویر اولیه ای باشند که حاصل تجربه و احساس خود شاعر است و اگر تصویر کلیشه ای وجود دارد از نوع نمادهای عام و پذیرفته است که اغلب در اشعار سید حسن حسینی و حمید سبزواری به کار رفته است.

۵) انداموارگی تصویر در این اشعار دو ساخت کلی خوشه‌ای و جورچین دارد که شیوه جورچین تصاویر را اغلب در شعر سبزواری، بیابانکی و حسینی و ساخت خوشه‌ای را در سخن گرمارودی و نجاتی میابیم.

۶) در هر دو نوع تصاویر و انداموارگی آن‌ها نظم عمومی وجود دارد که حاصل ارتباط بین سازه‌های تصویر (واژه‌ها) است که در معنا و لفظ مرتبطند و از عوامل انسجام تصویری نیز میباشد.

۷) وحدت در شگردهای هنری در هر غزل نیز از ویژگیهایی است که با دقت و بررسی در فرم و ساخت اشعار مشاهده میشود. در هر شعری از حیث نوع تصاویر اعم از تصویر محض و خیالی وحدت رویه‌ای مشاهده میشود که سخن و شعر را از آشفتگی میرهاند. با وجود این که در اغلب اشعار از هر دو نوع تصویر بهره‌مند هستند؛ اما وجود وجه غالب در یکی از آنها شیوه و شگرد آن را یکسان نموده‌است.

۸) آخرین نتیجه بحث، این نکته است که با دقت در ساخت و بافت سخن و از جمله تصویر میتوان به درک جزئیاتی از زیبایی دست یافت که ممکن است در بررسیهای محتوایی و سنتی همچنان پوشیده بماند و بررسیهای نوین و از آن جمله ساختاری راههایی نو را فرا راه این گونه پژوهشها میگشاید.

منابع و مأخذ

- ۱- ادبیات چیست، سارتر، ژان پل (۱۳۴۸). ترجمه ابوالحسن نجفی، تهران، نشر زمان.
- ۲- «اهمیت عناصر و ویژگیهای ساختاری واژه در گزینش واژگان شعر»، عمران پور، محمدرضا (۱۳۸۶) مجله علمی پژوهشی گوهر گویا، دوره اول، بهار، شماره ۱.
- ۳- باغ دور دست، بیابانکی، سعید (۱۳۸۷). چاپ دوم، تهران: نشر تکا.
- ۴- بررسی سیر تکوینی شعر دفاع مقدس، اسماعیلی، رضا (۱۳۹۰). به کوشش محمد قاسم فروغی جهرمی، جلد اول، تهران، بنیاد حفظ ارزشهای دفاع مقدس.
- ۵- «بررسی و تحلیل انتقادی دیدگاههای ادبی رادویانی در ترجمان البلاغه». محبتی، مهدی (۱۳۸۴) دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، بهار و تابستان، شماره ۴.
- ۶- بلاغت تصویر، فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۶). چاپ اول، تهران، انتشارات سخن.
- ۷- «تحلیل ساختاری شعر سپید شاملو»، طالبیان، یحیی (۱۳۸۶). مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، تابستان، شماره ۱۵۷.

- ۸- تو عاشقانه سفر کن، سبزواری، حمید(۱۳۸۷). تهران، نشر تکا.
- ۹- خوابارغوانی، موسوی گرمارودی، علی(۱۳۹۲). شعر دفاع مقدس، چاپ سوم، تهران، انتشارات سوره مهر.
- ۱۰- در سایه آفتاب، پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱). چاپ اول، تهران، سخن.
- ۱۱- درباره شعر، لارنس، پرین(۱۳۷۳) ترجمه فاطمه راکعی، چاپ اول، تهران، اطلاعات.
- ۱۲- راهنمای نظریه ادبی معاصر، سلدن، رام(۱۳۷۷). ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- ۱۳- ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، پراپ، ولادیمیر(۱۳۶۸). ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ اول، تهران: توس.
- ۱۴- ساختار و تاویل متن، احمدی، بابک(۱۳۷۵). ج ۱. چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- ۱۵- «ساختارگرایی و پساساختارگرایی»، دان، استور(۱۳۸۳). ترجمه ابوالفضل ساجدی، نشریه تخصصی حوزه و دانشگاه، شماره ۳۹.
- ۱۶- شعر و عناصر شعر، لارنس، پرین(۱۳۷۹). ترجمه غلامرضا سلگی، تهران: رهنما.
- ۱۷- شکستگی تر از آنم، نجاتی، پروانه(۱۳۸۷). گزیده اشعار، چاپ اول، تهران، نشر تکا.
- ۱۸- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا(۱۳۶۶). چاپ سوم، تهران: آگاه.
- ۱۹- طلا در مس، براهنی، رضا(۱۳۴۴). تهران: چاپخانه چهر.
- ۲۰- «عاطفه، نگرش، تصویر»، فتوحی، محمود(۱۳۸۳). مجله مطالعات ادبی، سال اول شماره ۱.
- ۲۱- نظریه های نقد ادبی معاصر، علوی مقدم، مهیار(۱۳۷۷). چاپ اول، تهران، سمت.
- ۲۲- «نقد و تحلیل ساختارگرایانه غزل‌روایت‌های عطار»، طاهری، قدرات‌الله(۱۳۸۲). فرهنگ، ۴۶ و ۴۷.
- ۲۳- همصدا با حلق اسماعیل، حسینی، سید حسن(۱۳۸۷). چاپ چهارم، تهران، انتشارات سوره مهر.

Imagery Parameters in Sacred Defense Poetry

Ameneh Rostami¹ , Mohsen Zolfaghari²

Abstract

Formalist critique of the image in the sacred defense ghazal Structural and formalist approaches to critique, based on the authenticity of literary criticism, are a novel and popular critique. Which have been influenced by linguistic theories of the twentieth century, especially Saussure's theories in the field of linguistics. These approaches have a special emphasis on "the totality of literary work" and they embody authenticity for it. In literature, the most important feature that values the text is the image that is important in the eyes of the new and traditional theorists. Various definitions have been made around it, and researchers have long been interested in exploring different styles in their literary studies. Ghazal is also a good platform for the images of the minds of poets in different times and in recent years has also been a good opportunity for poetry dedicated to revolution and sacred defense. This poetic template is based on new and emerging content, creating new images in this area. In this study, drawing on the language and the image, we rely on the sonnets of the sacred defense, in a structured way, and re-examine the literary beauty For this purpose, a number of sonnets of prominent poets such as Hamid Sabzevari, Parvaneh Nejati, Seyyed Hassan Hosseini, Saeed Biabanakki and Mousavi Garmaroudi on the subject of sacred defense are studying the beauty of the result of accuracy in the form and effect of the work. , We found.

Keywords: Structure, image, sonnets, sacred defense, image

1PhD student of Persian Language and Literature, University of Arak, Arak, Iran (rostami.amene@gmail.com)

2Department of Persian Language and Literature, University of Arak, Arak, Iran (m-zolfaghary@yahoo.com)